



سبز ورزشی

sabzvarzeshi@yahoo.fr

هفته نامه سبز ورزشی شماره 1 سه شنبه سیزده مرداد هشتاد و هشت

از آسمان بارید!

عجب شانسی دارد این ملت!

مسابقات فوتبال، مجوز قانونی برای راه بندان و اعتراض به حکومت کودتا!

راه بندان و ترافیک سنگین در پایان مسابقات فوتبال

یکی از اشکال مناسب مبارزه غیرخشونت آمیز ایجاد راه بندان و ترافیک های سنگین در اتوبانها و خیابانهای تهران و سایر شهرهایی است که مسابقات فوتبال در آن انجام می گیرد. اگر در همان یکی، دو هفته نخست لیگ برتر بتوانیم در وسعت بالایی در شهرستانها این مهم را انجام دهیم، یکصد و ده هزار نیروی سرکوبی که تهران بزرگ را محاصره کرده اند، پراکنده و ناچار می شوند برای مهار تظاهرات به شهرستانها گسیل شوند. این تاکتیک، کودتاچیان را دچار مشکلات فراوانی می کند. راه بندان و ترافیک سنگین نیز تردد نیروهای سرکوب را مختل خواهد کرد و میزان دستگیری مبارزان را بسیار کاهش خواهد داد. شعار همراه با بوق زدن اتومبیل ها و استفاده از ابزار دیگر جنبش فوتبال، ما را منسجم و دشمن را پراکنده خواهد کرد.

از پنجشنبه 15 مرداد، 360 مسابقه فوتبال لیگ برتر در 34 هفته



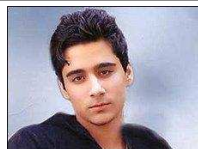
با ترافیک و راه بندان نابودی دیکتاتوری را تسریع کنیم!



ما آینده بهتری را برای زادگاه خود دنبال می کنیم!



قهرمان کمربند مشکی
تکواندو؛ شهید
اشکان سهرابی



اشکان سهرابی یکی از شهدای روز شنبه ۳۰ خرداد می باشد که بر اثر اصابت گلوله عوامل سرکوبگر خامنه ای به سینه اش، در نیش خیابان رودکی و دامپزشکی در تهران به شهادت رسید. شهید اشکان سهرابی ورزشکار، دارای کمربند مشکی دان ۲ تکواندو و دانشجو بوده است.

در دیگر صفحات

راهکارهای ما - عمل، جذب، آموزش
صفحه 4 و 5

اجرای موسیقی حماسی با ابزارهای ساده در خیابانها و پشت بام ها
طرز تهیه شیپور
صفحه 5

پذیرایی پلیس از تماشاگران با گلز اشک اور در بازی پرسپولیس و پیکان علی کریمی: نخواستند پرسپولیس بمانم برای جریان خسارت به ورزشگاهها تمام ورزشگاهها بیمه شد
صفحه 6

دش تش اندزاب ی ن ا ه ا ر ف ی ا ف ص ا ر ج
صفحه 7

در دیگر صفحات

ترس حکومت از محبوبیت تیم های لیگ برتر
صفحه 2

فوتبال بلای جان حکومت کودتا صفحه 2
چگونگی کودتا در سیستم ورزش بویژه فوتبال
صفحه 3

ترفندهای حکومت کودتا در ورزشگاهها
صفحه 3

خطر کجاست و چه باید کرد صفحه 4

تاکتیک خنثی سازی برنامه های رژیم
صفحه 4

موسسین:

عباس بختیاری - شادی اخوان
فرید سامانی - بابک نظری

قدرت ما از طریق

نیروهای سازمانیافته ما

خود را نشان می دهد.

نیروهای سازمانیافته ما

هنگامی که سراسری

می شوند قادرند با سر

باز زدن و عدم انجام کار،

خدمات و عدم پشتیبانی

موسسات سازنده قدرت،

دولت را ساقط کنند.



یکپارچه!

در بازگشت از ورزشگاهها با ترافیک، راه بندان و تظاهرات در مناطق مختلف شهرها به دیکتاتوری بتازیم!



فوتبال بلای جان حکومت کودتا

بزودی عشق می بارد!

عباس بختیاری

از 15 مرداد، 360 مسابقه فوتبال لیگ برتر در 34 هفته

نهمین دوره رقابتهای فوتبال لیگ برتر باشگاههای ایران از 15 مردادماه در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، بندر انزلی، کرمان، قزوین، قم، اهواز، همدان، بوشهر، شهر ری (در ورزشگاه شهرک اکباتان) و کرج آغاز خواهد شد.

همان شهرهایی که جنبش سبز بیشترین قدرت را دارد. مجموعاً 360 مسابقه در 34 هفته به صورت رفت و برگشت انجام خواهد گرفت. زمان بازیها از ساعت 15 تا 18 بعدازظهر و متناسب با شرایط آب و هوای استانها و نیز سیستم پخش برنامه های تلویزیونی سازمان داده شده است. دیدار تیم های پرسپولیس تهران و مس کرمان به عنوان دیدار افتتاحیه در شهر کرمان و تیم های استقلال تهران و سپاهان اصفهان در ورزشگاه صد هزار نفری آزادی تهران جذابترین بازی های هفته نخست نهمین دوره لیگ برتر خواهد بود. مجموعاً نوزده ورزشگاه برای انجام مسابقات در نظر گرفته شده است. این مسابقات همه هفته در نه ورزشگاه برگزار خواهد شد. تمامی بازیهای حساس لیگ برتر، که در استادیوم یکصد هزار نفری آزادی تهران و نیز شهرستانها برگزار می شود، از شبکه سه و جام جم دو به صورت زنده در ایران و از طریق ماهواره و اینترنت در جهان پخش خواهد شد. علاوه بر آن بازیهایی که در شهرستانها انجام می شود هم از طریق شبکه استانی پخش می شود. گنجایش استادیوم ها در شهرستانها از هفت هزار تا هفتاد و یک هزار نفر اعلام شده است. در حالیکه حکومت کودتا هرگونه تظاهرات مسالمت آمیز را غیر قانونی اعلام کرده است، ورزشگاهها مکانهای بسیار مناسبی برای اعتراضات زنجیره بزرگ مبارزاتی ماست. پیش از اشاره به سیاستهای دشمن و راهکارها و تاکتیک های مبارزاتی غیرخشونت آمیز به گنجایش ورزشگاهها نگاهی می اندازیم تا متناسب با ظرفیت و دوری و نزدیکی آنها به مراکز شهرها اشکال مبارزاتی خود را به نحو مناسبی برگزینیم.

گنجایش استادیوم های ورزشی

ورزشگاه آزادی (تهران) 100 هزار نفر - ورزشگاه جهان پهلوان تختی (تهران) 30 هزار نفر
ورزشگاه ثامن الانمه (مشهد) 50 هزار نفر - ورزشگاه فولاد شهر (اصفهان) 20 هزار نفر
ورزشگاه نقش جهان (اصفهان) 25 هزار نفر - ورزشگاه حافظیه (شیراز) 20 هزار نفر
ورزشگاه قدس (همدان) 15 هزار نفر - ورزشگاه جهان پهلوان تختی (انزلی) 20 هزار نفر
ورزشگاه بهشتی (بوشهر) 12 هزار نفر - ورزشگاه رجایی (قزوین) 7 هزار نفر
ورزشگاه شریعتی (کرج) 15 هزار نفر - ورزشگاه اکباتان (راه آهن) (تهران) 15 هزار نفر
ورزشگاه جهان پهلوان تختی (تبریز) 14 هزار نفر
ورزشگاه جهان پهلوان تختی (اهواز) 30 هزار نفر - ورزشگاه یادگار امام (قم) 15 هزار نفر
ورزشگاه باهنر (کرمان) 15 هزار نفر - ورزشگاه یادگار امام (تبریز) 71 هزار نفر

جمع کل گنجایش تماشاگر: نیم میلیون نفر در نه ورزشگاه طی یک هفته

ترس حکومت از محبوبیت تیم های لیگ برتر

فدراسیون فوتبال آسیا، تیم پرسپولیس ایران را محبوب ترین تیم فوتبال آسیا معرفی کرده است که 22 تا 24 میلیون هوادار در ایران و خارج از ایران دارد. تیم مردمی پرسپولیس تهران (فرمپوشان پایتخت) در سراسر ایران و حتی در افغانستان و تاجیکستان نیز هواداران بیشماری دارد. پس از پرسپولیس دیگر تیم محبوب ایران استقلال تهران (آبی پوشان پایتخت) است که میلیونها نفر دوستداران پر و پا قرص این باشگاه نامدار آنرا حمایت می کنند. بدون استثناء تمامی تیم های شهرستانی در استانهای خود از محبوبیت بالایی برخوردار هستند تا جایی که بیشتر اوقات تا هشتاد درصد جایگاههای ورزشگاه را هواداران این تیم ها به خود اختصاص می دهند. در دو دهه اخیر بارها و بارها تماشاگران فوتبال رژیم را به چالش و مبارزه کشانده اند و علیرغم تدابیر شدید پلیس و نیروهای امنیتی موفق به شکست حرکتی اعتراضی مردم نشده است (به ویژه در آزادی تهران، اصفهان، اهواز و مشهد که توسط یگان ویژه نیروی انتظامی سرکوب شدند). پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد رژیم سرمایه های هنگفتی را بمنظور کنترل و مهار تماشاگران در سراسر کشور هزینه کرد. ابتدا از تیم های پایین جدول لیگ برتر شروع به پاکسازی و کنار گذاشتن مدیران فوتبالی کرد. در مدت کمتر از یک سال دوازده تن از افراد اطلاعاتی و وابسته به بیت رهبری جایگزین مدیر عاملان قبلی شدند که عمدتاً سررتیب پاسدار، فرماندهان نظامی و وابستگان به بیت رهبری بودند. یکی از تصفیه شدگان صفایی فراهانی است که هم اکنون به عنوان یکی از مدیران جبهه مشارکت در زندان اوین بسر می برد. رژیم سپس با کمک مطبوعات ورزشی وابسته به دولت، به سراغ دو باشگاه محبوب پایتخت پرسپولیس و استقلال رفت و با تزریق پول و تبلیغ، نیروهای وابسته به بیت رهبری و دفتر ریاست جمهوری را بر این دو باشگاه مردمی تحمیل کرد. دیری نپایید که هواداران استقلال و پرسپولیس با سر دادن شعار در ورزشگاهها و خیابانها، شعار نویسی در اتوبوسهای شرکت واحد و شکستن شیشه اتوبوسها و برافروختن آتش در مسیر استادیوم آزادی تا میدان آزادی اعتراضات خود علیه این کودتای خرنده را به نمایش گذارند.

این سیاست و اکنشهای فراوانی را در میان اهالی فوتبال و هواداران تیم های لیگ برتری در پی داشت. نظامیانی که قدرت در فوتبال را قبضه کرده بودند پولهای کلانی را به حساب باشگاهها سرازیر کردند و به شکل سازمانیافته ای شروع به آموزش نیروهای امنیتی در این باشگاهها کردند. از چهار سال پیش وزارت اطلاعات سپاه پاسداران با یک برنامه از پیش طراحی شده به میدان آمد. بسیاری از مقامات شناخته شده از جمله احمدی نژاد و معاون وی، علی آبادی که ریاست سازمان تربیت بدنی را به عهده دارد، به باشگاهها و سازمانهای ورزشی سرکشی و حتی برای پیشبرد مقاصد خود وقاحت را تا جایی پیش بردند که احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور با لباس گرم ورزشی (اسلامی) در تمرینات تیم ملی ایران حضور یافت. در همین دوره اخیر احمدی نژاد بمنظور جمع آوری آرا با هماهنگی سرویس های تبلیغاتی خود برای جذب مردم، با تبلیغ در روزنامه های ورزشی و غیر ورزشی بمنظور فریب مردم خود را طرفدار تیم پرسپولیس معرفی کرد. اما مردم بسیار هوشیارتر از آن بودند که فریب تدارکاتچی بیت رهبری را بخورند.



ترفندهای حکومت کودتا در ورزشگاه ها بمنظور جلوگیری از خیزش مردمی

سایت رسمی اتحادیه باشگاههای فوتبال که زیر نظر دولت احمدی نژاد اداره می شود، اعلام کرده است:

« روز 14 مرداد (یک روز پیش از آغاز مسابقات) از ساعت نه صبح با همکاری سازمان سازمان هواداران فوتبال، تعدادی از مسئولین رسانه ها، شبکه سوم سیما، خبرگزاری ایسنا و با حضور 1500 هوادار معرفی شده از سوی باشگاهها همایشی آغاز و تا ساعت 5 بعدازظهر ادامه خواهد داشت.» این سایت می افزاید قرار است هواداران تیم های فوتبال از شهرستانهای مختلف کشور برای شرکت در این نشست وارد تهران شوند. بنا به گفته سخنگوی اتحادیه باشگاههای فوتبال ایران این همایش به منظور بررسی مشکلات فرهنگی موجود، شکل فعالیت کانون های هواداران و همچنین موضوع سوء استفاده و تحریک تماشاگران از سوی برخی از عوامل، مهم ترین مسائلی است که در این همایش مورد بررسی قرار می گیرد.

این همایش 14 تیرماه در سالن همایش برج میلاد تهران برگزار خواهد شد. احمدرضا برانی مشاور حقوقی اتحادیه باشگاهها با پیشکسوتان و هنرمندان برای شرکت در این همایش تماسهایی را آغاز کرده است. تصمیم برگزاری این همایش در یک نشست از سوی علی آبادی معاون احمدی نژاد (رئیس سازمان تربیت بدنی)، علی کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال، مهدی تاج نایب رئیس فدراسیون فوتبال، عزیزالله محمدی رئیس لیگ و مهدی محمدنوبی دبیر فدراسیون فوتبال گرفته شده است. عزیزالله محمدی رئیس سازمان لیگ اعلام کرده است اولین مسابقه فوتبال لیگ در تهران میان استقلال تهران و سپاهان اصفهان که قرار است در ورزشگاه صد هزار نفری آزادی برگزار شود بدلیل مسائل انضباطی از سوی هواداران استقلال در لیگ گذشته، بدون حضور تماشاگر برگزار خواهد شد. این تصمیم گیری اخیر سازمان لیگ نشان از وحشت رژیم بمنظور جلوگیری از حضور دهها هزار تن هواداران استقلال تهران و سپاهان اصفهان است که میدانی ورزشی را میدان مبارزه خود می دانند. بر اساس گفته سایتهای ورزشی هواداران استقلال تهران طی نامه ای به سازمان لیگ اعتراض خود را نسبت به این تصمیم گیری ابراز کرده اند.

(نکته مهم این که باشگاه استقلال به مدیرعاملی امیررضا واعظی آشتیانی - از نزدیکان محمود احمدی نژاد) با برکناری همه لیدرها در سایت باشگاه آیین نامه ای را برای گزینش لیدرهای جدید منتشر کرده است که یکی از شروط آن بسیجی بودن این افراد است!)



امری که بنیل مخالفت مردم در دو دهه اخیر هرگز عملی نشده است. شعارهای پارچه ای بزرگ در مرکز زمین ورزشگاههای کشور جلوی دوربین های تلویزیونی قرار گرفت. گزارشگران تلویزیونی را زیر فشار قرار دادند تا تبلیغات وسیعی را برای حمایت از پروژه انرژی هسته ای پیش ببرند. از سوی دیگر با کوچکترین اشتباه یک بازیکن در حین بازی شعارهایی علیه ورزشکاران سر داده می شد تا از محبوبیت آنان در میان افکار مردم کاسته شود.

همان سیاستی که در میان هنرمندان موسیقی نیز به کار گرفته شد. محبوبیت فردی تنها باید به یک نفر تعلق داشته باشد و آن هم کسی جز رهبر خامنه ای نبود. دقیقاً همان شیوه ای که دیکتاتور صدام حسین آنرا در عراق تثبیت کرده بود. برای مربیان، فوتبالیستها و پیشکسوتان نامداری که در سراسر ایران از محبوبیت فراوانی برخوردار بودند، پرونده سازیها آغاز و آنان را در ساختمان سنگی وزارت اطلاعات در خیابان افریقا تحت بازجویی قرار دادند. در بازجویی ها بیشترا پرونده سازی های اخلاقی انجام گرفت. از فاصله های دور از ورزشکاران تحت کنترل، فیلم گرفتند و سوار شدن یک کودک بی خانمان و گرسنه با چشمانی اشک آلود در اتومبیلی که از راننده آن - که یک پیش کسوت و نامدار ورزش کمیک خواسته بود، جرم محسوب شد. آن ورزشکار محبوب، که دوست داشت یک گوشه از فرهنگ والای انسانی جهان پهلوان تختی را نشان دهد، پس از بازجویی در وزارت اطلاعات و بازگشت به ختاه مقابل چشمان همسر و فرزندان خود گریست و زندگی در کتخ خانه را بر حضور در میدانی ورزشی ترجیح داد. هر ورزشکار نامداری تحت نظر یک مامور امنیتی قرار گرفت. ورزشکارانی را که همه ساله به مقام نخست لیگ برتر دست می یافتند با انداختن چغیه بر گردانیشان به اجبار به جنبه های شلمچه و مزار قربانیان جنگ بردند تا جام قهرمانی را به شهدا تقدیم کنند. مانند روزهای قهرمانی فولاد خوزستان و سپاهان اصفهان در دو سال متوالی که با فضا سازی از ورزشکارانی که برای قربانیان جنگ اشک می ریختند فیلمبرداری و در تلویزیونهای سراسری حکومت به نمایش گذاشتند.

اما نمونه هایی از این دست هیچ کدام نتوانست بر آگاهی و شعور مردمی که بیش از سی سال بر آنها ظلم و ستم روا رفته، چیره شود. حجم اعتراضهایی که در دوره حکومت احمدی نژاد بنیل شکست در ورزش توسط مردم و بویژه جوانان در ورزشگاهها و خارج از ورزشگاهها صورت گرفته در دوره های پیش سابقه نداشته است. میزان شعارهای ضد حکومتی، شعارنویسی در ورزشگاهها و وسائل نقلیه، پرتاب اشیا و سنگ در زمین فوتبال، شکستن شیشه و وسائل ورزشگاهها، قطع کابل برق ورزشگاه در مسیر ورزشگاه، آتش زدن لاستیک در خیابانها، آتش زدن کارتن و کاغذ هنگام مسابقه، پرتاب ترقه، اعتراضات شدید از طریق شعار دادن علیه مدیر عاملان دست نشانده حکومت مانند... فتح الله زاده حیا کن، استقلالو رها کن و یا انصاری فرد حیا کن پرسپولیس رو رها کن، ارسال ای میل و نامه در اعتراض به سیاستهای باشگاهها، نمونه هایی از شکست رژیم در این زمینه بوده است. اکنون حکومت با توجه به مبارزات دامنه دار مردمی جنبش سبز به وحشت افتاده است و همانگونه که در بالا اشاره شد برنامه های مدونی را جهت کنترل اوضاع در دستور قرار داده است. بدیهی است که ما باید متناسب با ترندهایی که آنها در نظر دارند، ضمن سازماندهی اشکال مبارزاتی خود، چگونگی خنثی کردن ترندهای دشمن را نیز بشناسیم.

چگونگی کودتا در سیستم ورزش بویژه فوتبال و عکس العمل های مردم

حضور احمدی نژاد، مقامات بلند پایه نظام و هزاران تن از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در رو در رویی های تیم های فوتبال باشگاههای ایران و تیم ملی، نشان از خطری داشت که حکومت را شدیداً تهدید می کرد. حجم دوربین های فیلمبرداری که بتواند رفتار مردم و بویژه جوانان را زیر ذره بین ولایت فقیه داشته و کنترل کند، در دنیا یک استثنا است. در اولویتهایی که سیستم اطلاعاتی برای مهار مسائل مربوط به ورزش فوتبال در نظر گرفته، «مرزهای ممنوعه» و «خط قرمزهای» مشخص شده بیشترین حجم را نسبت به موضوعات دیگر به خود اختصاص داده است.

پس از پایان دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، یکی از مهم ترین مسائل بیت رهبری و دولت احمدی نژاد تغییر در ساختار وزارت اطلاعات به دلیل چند جناحی بودن این وزارتخانه در دوران محمد خاتمی بود. ساختار و سیستمی جدید با نگرانی جدید برای هدایت وزارت اطلاعات در نظر گرفته شد. در راستای چگونگی سیاست تسلط بر اوضاع کشور اولویت بندی ها صورت گرفت. تغییر در ساختار ورزش و در رأس آن فوتبال مهم ترین موضوع حکومت شد. در همین ارتباط با کودتایی خزنه تمامی مدیر عاملان فوتبالی در باشگاههای مطرح کنار گذاشته شدند و به جای آن افراد غیر فوتبالی و سرداران و فرماندهان سپاه و نظامیان مورد اعتماد رهبر جانشین مدیران قبلی شدند. مدیر عاملان بلافاصله با معرفی هیئت مدیره باشگاهها از سوی علی آبادی معاون احمدی نژاد و رئیس سازمان تربیت بدنی تشکیلات خود را در تمامی باشگاههای فرهنگی، ورزشی کشور سازمان دادند. بیشترین بودجه دوران تاریخ فوتبال ایران در اختیار مدیر عاملان نظامی قرار گرفت. هر یک از اعضای هیئت مدیره هواداران مورد اعتماد و اطلاعاتی خود را سازمان دادند. مطبوعات ورزشی زیر پوشش سرویسهای اطلاعاتی قرار گرفت. پروند سازی های مالی و اخلاقی جهت از بین بردن محبوبیت تعدادی از فوتبالیست های نامدار ایران که در مقابل حکومت تمکین نمی کردند، آغاز شد. تعدادی انگشت شمار ورزشکار از جمله علی دایی، حسین رضا زاده، مهدی سامی، امیررضا خادم (رئیس کمیسیون ورزش مجلس) به خانه رهبر دعوت شدند. در تهران و شهرستانها بیل بردهای بزرگ تبلیغاتی پُر شد از پوسترهای تبلیغاتی سازمان داده همین ورزشکاران توسط سازمانهای تبلیغاتی که توسط وزارت اطلاعات کنترل می شدند. چند تن از ورزشکاران و کارشناسان منتقد سیاست دولت در امر ورزش نظیر امیر حاج رضایی و خداداد عزیزی بوسیله تلفن تهدید به مرگ شدند. در مدت چند ماه توانستند بخشی از ورزشکاران، منتقدین ورزشی و ورزشی نویس را به حاشیه و سایه هدایت کنند. با برنامه ریزی گروه گروه از ورزشکاران را با اتوبوسهای شبکی که مدیر عاملان در اختیار باشگاهها قرار دادند به زور به مرق امام رضا در مشهد و جمکران در قم برند و حتی در جمکران ورزشکاران را وادار کردند تا به امام زمان نامه بنویسند. دو تن از همان هفت فوتبالیستی که در فرصتی طلایی در بازیهای مقدماتی جام جهانی با مج بندهای سبز به جان باختن ندا و نداهای ایران اعتراض و دنیا را شگفت زده کردند آبی و... به محل تمرین بازیکنان اعزام کردند.



تغییر و تحولات اجتماعی که در نتیجه ی مبارزه ی مسالمت آمیز به دست آمده اند هم مثبت تر بوده اند و هم پایدارتر!

خطر کجاست و چه باید کرد!

روش سیستم پلیس روسیه:

مطالعات نشان می دهد که به ترتیب، تهدید افراد، استراق سمع، دستگیری، زندانی کردن، شکنجه، اعتراف گیری و کشتن فعالان سیاسی، ایجاد وحشت در میان مردم، جلوگیری از پیوستن آنان به جنبش و از هم پاشیدن جنبش یک متد روسی است. این متد آشکار می کند که نیروهای امنیتی به هدف گرفتن اعضای خانواده ی فعالان و حتی گروگان گرفتن کودکان آنها نیز می پردازند. این متد عریان می کند با ترکیب کردن اقدامات سرکوبگرانه و تبلیغات گسترده می توان فضایی ایجاد کرد که ترس بر جامعه حاکم شود. این همان فضایی است که دشمن آرزوی آن را دارد تا خود را بازسازی و از شرایط ناهنجار بیرون بیاورد. دقیقاً اتفاقاتی که در یک ماه اخیر در کشور ما رقم خورده است.

تاکتیک خنثی سازی برنامه های رژیم

اولین اقدام مهم و ضروری این است که اگر هوادار یکی از باشگاههای فوتبال کشور هستیم از همکاری و اجرای رهنمودهای لیدرهای باشگاه که از سوی هیئت مدیره انتخاب شده اند، اکیدا خودداری کنیم. همانگونه که می دانیم و سخنگویان باشگاهها بارها در رسانه ها اعلام کرده اند این افراد حقوق ماهیانه دریافت می کنند و مسئولیت دارند تا سیاستهای باشگاهها را بدون کم و کاست عملی کنند. تمامی لیدرها یا مسئولین کانون های هواداران زیر نظر مستقیم نیروهای وزارت اطلاعات که در باشگاهها اعضای هیئت مدیره را تشکیل می دهند، انتخاب و گزینش می شوند. اولین و مهمترین اصل واکنشی است که باید به این مسئله داشته باشیم. اقدام ما بی توجهی کامل به رهنمودهای لیدرها است. برخی از شعارهایی که در بیانیه های منتشره می آید هیچ ربطی به شعارهایی که سالیان متممادی هواداران در راستای حمایت تیم های محبوب خود می دهند ندارد و صرفاً در راستای اهداف روسای باشگاهها دنبال می شود. اطاعت ما از دستورات و پیشنهادات مدیران باشگاهها، کانونهای هواداران و لیدرهای باشگاه، رسانه ها و مطبوعات ورزشی وابسته مانند زهر مهلکی است که جنبش مبارزاتی ما را تضعیف و ستون فقرات شکسته حکومت را ترمیم خواهد کرد.

رژیم برپایه اولویت بندی برنامه هایش دو اصل را دنبال می کند. ترس و اطاعت. دشمن روشهایی را بکار خواهد برد که مردم را وادار به اطاعت کند. عدم اطاعت را جایگزین اطاعت کنیم. بدون اطاعت ما خامنه ای قادر به حکومت نخواهد بود.

« قانون مورفی » را فراموش نکنیم!

یک - هیچ چیزی آنقدر آسان نیست که به نظر می رسد.

دو - هر کاری بیشتر از آنچه که باید طول می کشد.

سه - قبل از شروع کار بعدی، باید اول کار قبلی را تمام کنید!

راهکارهای ما:

عمل - جذب - آموزش

بدون شخم زدن محصول به دست نمی آید!

بدون برنامه ریزی، بنیان حرکت و مبارزه بر حس و گمان خواهد بود و موفقیت ما را منوط به شانس خواهد کرد. برنامه ریزی اولین گام مهم و اساسی در راه پیشبرد مبارزه ی مسالمت آمیز است. اولین حرکت ما تصمیم برای شرکت یکپارچه در ورزشگاههاست. برای این مهم بر خلاف سالها و ماههای پیش باید برنامه ریزی دقیق داشته باشیم. مهمترین مسئله ارتباط برقرار کردن با دوستان نزدیکی است که صد در صد از نظر امنیتی به آنان اعتماد داریم. حتما پس از شناخت از خود به شناسایی و موقعیت دشمن بپردازیم تا بتوانیم نتیجه حرکت و مبارزه را آسانتر پیش بینی کنیم. گروههای پنج تا ده نفره را (به طور مثال) با نامهای شهدای جنبش (پاران سهراب - جنت آباد، پاران ندا امیرآباد، پاران ترانه تبریز و یا با نام زندانیان سیاسی که می شناسیم، ایجاد کنیم. هدف ما ادامه راه جنبش یا شرکت در ورزشگاهها و سپس کشاندن این مبارزات به خیابانهاست. پس برای ما چرایی حرکت، کی و کجا مشخص است. زمان کافی را برای جلسات و هماهنگی وظایف در نظر بگیریم. طرح های بسیار ساده و صد در صد غیر خشونت آمیز را به جلسات بیآوریم. باورهای کاذب و توهم، دشمن برنامه ریزی های ما خواهد بود. واقع بین باشیم. خطرات را دست کم نگیریم و بیهوده طرف حرکتی خود را بزرگ نکنیم. واقع بینی کمک می کند تا زودتر به موج و زنجیره ی بزرگ مبارزاتی سبز وصل شویم. حتما به تفاوت میان خواست و توانایی خود دقت لازم را داشته باشیم. مهم ترین مسئله در برنامه ریزی ظرفیت شناسی افراد تیم است. تحت هیچ شرایطی بیش از ظرفیتمان مسئولیت نپذیریم و تقسیم کار را بر پایه شناخت از مسئولیتی که به عهده می گیریم بپذیریم. بطور مثال عکس و فیلمبرداری به عهده شخص و یا اشخاصی که توانایی این کار را دارند، شعارنویسی بعهده کسی که توانایی این کار را دارد، ریتم و آهنگ شعارها را بعهده ی کسی که موسیقی را می شناسد و... واگذار کنیم. با حضور در چند مسابقه فوتبال تحلیل درست کارهای مثبت و منفی ما مشخص می شود. حتما از دوستان مشورت بگیریم تا به ما بگویند نقاط قوت ما چیست و از عهده چه وظایفی بدستی بر می آید. توجه به این مهم و نتایج کار ما، انرژی و قدرتتان را به پیرامونتان انتقال می دهد. از همان ابتدای کار صندوق کمک مالی تهیه کنیم. هزینه های خود را کاهش دهیم و به یک مبارزه طولانی فکر کنیم. مسئولیت مالی را به عهده مادران و یا خواهران خود واگذار کنیم. پایان جلسه برنامه ریزی هایی را که روی کاغذ نوشته ایم پس از چندین بار مرور با سوزاندن آن هر گونه مدرک و ردی را پاک کنیم. پس از پایان هر جلسه با لبخند همدیگر را در آغوش بگیریم و به یکدیگر انرژی بدهیم. این امر ما را به هم نزدیک و اراده ما را قوی می کند. نهایت تلاش خود را به کار بگیریم تا وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهیم و با منطق و تسلط بر احساسات خود از پرداختن به مسائل حاشیه ای پرهیز کنیم. یک مثال فوتبالی می آوریم تا بدانیم حاشیه تا چه میزان آسیب پذیری می آورد. سال گذشته تیم پرسپولیس در ایران و رئال مادرید در اسپانیا بهترین بازیکنان را در اختیار داشتند اما در پایان مسابقات نتیجه لازم را به دست نیاوردند. در برررسیهایی که کارشناسان ورزشی پیرامون علل عدم نتیجه گیری این تیم ها ارائه داده اند به این نتیجه رسیده اند که مهمترین عامل دست نیافتن به پیروزی مسائل حاشیه ای بوده است. ادامه در صفحه بعد...



راهکارهای ما :

عمل جذب آموزش

بدون شخم زدن محصول به دست نمی آید!

تمامی وظایف را طبق برنامه ای که مشخص کرده ایم پیش ببریم. یکی از اشکال فعالیتهایی که در دستور کار خود قرار می دهیم مثلا زمانی است که باید صرف کنیم تا به ورزشگاه برسیم. برای اینکه اشکال متنوعی را می توانیم انتخاب و به اجرا بگذاریم. یکی از این آکسیونها دست افشانی، پایکوبی و خواندن سرود است. سرودهایی که همه ما می شناسیم. یار دیستانی من، ای ایران، سر او مد زستون و شعارها و ترانه هایی که برای ایجاد ساخته ایم. هنگام عبور از موانع پلیس ناجا (نیروی انتظامی) برای ورود به ورزشگاه سکوت کامل اختیار کنیم. مچ بندهای سبز را در جاهای امن جاسازی کنیم. تا هنگام رسیدن به جایگاهها مجبور هستیم از میان صفوف نیروهای پلیس عبور کنیم. ما ایرانی ها جانمان پر از عشق و مهر است. به سربازان و نیروهای انتظامی احترام بگذاریم. با آنان مهربان باشیم و اگر امکان داشت آنان را ببوسیم و با جان و دل به آنها گل و شیرینی و کادو بدهیم. در مقابل واکنشهای منفی احتمالی بعضی از آنان سکوت کرده و به راه خود ادامه دهیم. پس از قرار گرفتن در جایگاههای ورزشگاه حتما انرژی ذخیره کنیم تا در هنگام ورود ورزشکاران به میدان و آغاز پخش مسابقات از تلویزیون قدرت لازم برای انجام وظایفمان را داشته باشیم. شعارهای تئبسی مناسبی را برای تشویق ورزشکارانی که در مسابقات مقدماتی جام جهانی مچ بند سبز بستند را در ذهن داشته باشیم. بطور مثال این شعارها با دست افشانی، پایکوبی و علامت پیروزی...

کریمی، کریمی سلطان این خاک تویی ...

کریمی، کریمی ندای تختی تویی...

سهراب ما نمرده، این دولتت که مرده...



طرح های غیر خشونت آمیز و جذاب در ورزشگاهها کمک می کند تا دیگران ما را پشتیبانی و حمایت کنند. طرح ها و اشکالی که در صد بالا و امکان برنده شدن و پیروزی ما را بالا ببرد. در تمام ورزشگاههای کشور عکسهای بسیار بزرگ آیت الله خامنه ای و آیت الله خمینی در بیل بردهای بزرگ در بالای جایگاه مرکز ورزشگاه نصب شده است. در هنگام دادن شعارها و یا پس از به ثمر رسیدن گل توسط بازیکن تیم محبوبمان علامت پیروزی را به دیکتاتور نشانه کنیم. قاعدتا دوربین ها پس از به ثمر رسیدن گل ابتدا زنده گل و سپس واکنش تماشاگران را به نمایش می گذارند. در میان فریادهای خود علامت پیروزی را فراموش نکنیم. چشمان میلیونها نفر در سراسر جهان به موج سبزی است که در آن لحظه طلایی عظمت خود را به نمایش می گذارد. در نود دقیقه مسابقه مواظب اکران ورزشگاه باشیم چرا که در لحظاتی از بازی تصاویری از جمعیت به نمایش گذاشته می شود. مشت گره کرده و علامت پیروزی بادمجان نرود. با موج مکزیکی اوج جنبش سبز را به نمایش بگذاریم.

طرز تهیه شیپور

سه عدد دوک خالی نخ خیاطی که شبیه شیپور است را تهیه کنیم. هر سه دوک را به هم وصل کنیم، طوری که در هم فرو روند. سپس یک پادکنک سبز را از قسمت سر بریده و با کشیدن روی شیپور آن را عایق کنید. مانند کشیدن پوست بر روی تنبک. با عایق کردن پادکنک بر روی شیپور دست ساز، صدای مهبیبی از آن تولید می شود. تصور کنید شبها با زدن این شیپورها چه ترسی بر جان دشمن می نشیند!

با موسیقی و آواز جهان را شگفت زده کنیم!



دنیا زلزله زنجیره سبز را باور کرده است!

با اشکال غیر خشونت آمیز آنها را به معجزه تبدیل کنیم!

اخبار، عکس، پیام و ایده های خود را
برای انتشار در هفته نامه
«سبز ورزشی» برای ما ارسال کنید.

آدرس سبز ورزشی

sabzvarzeshi@yahoo.fr



موضوعات مبارزه و فعالیت هایمان را اولویت بندی کنیم!

مثال: الف: ارتباط منظم و همدند

ب- انتخاب مخاطبان

یک - نحوه ارتباطات را مشخص کنیم!

دو - افرادی که در این ارتباطات می گنجند را شناسایی

کنیم!

سه - پیام امان را مشخص کنیم!

چهار - چگونه پیام را انتقال دهیم!

اجرای موسیقی حماسی با ابزارهای ساده در خیابانها و بیشت بامها سرود پیروزی خواهیم خواند! ترانه سقوط را بسازیم!

واکنش نسبت به اقدامات سرکوبگرانه را حتما یاد بگیریم. تجربه نشان داده است تغییر و تحولات اجتماعی که در نتیجه ی مبارزه مسالمت آمیز به دست آمده هم مثبت تر بوده اند و هم پایدارتر. ما ایرانی ها جانمان پر از عشق و مهر است. به سربازان و نیروهای انتظامی احترام بگذاریم. با آنان مهربان باشیم و اگر امکان داشت آنان را ببوسیم و با جان و دل به آنها گل و شیرینی و هدیه بدهیم.

حتما خیلی از ما می دانیم که شیپورهای سبز، قرمز، آبی، زرد و... را که برای حمایت تیم هایمان محبوبمان به ورزشگاهها می بریم، در حال حاضر برای جنبش سبز کاربرد بسیار بالایی دارد. حکومت بدلیل ماهیت زن ستیزانه اش زنان را از حضور در ورزشگاهها منع کرده است. همه ما به این جنبش وابسته ایم و منبع قدرت آن هم خود مانیم. زنان و مردانی که در ورزشگاهها حضور ندارند می توانند زمان بازگشت مردم از استادیوم ها، خانه ها را ترک و به صفوف آنان بپیوندند. بشکه های خالی بیست لیتری، دُل، دف، دایره، سرن، بوق، شیپور، دمام، سوت و بطری های خالی آب را برای به هم کوبیدن و تولید صدا در اجرا موسیقی به خیابانها سرازیر کنیم. ترکیب بندی این سازها نشان می دهد که تولید صدای بالایی به همراه خواهد داشت که بسیار شورانگیز و حماسی است. ریتم، هیجان و شور پدید می آورد. فاصله زمانی که برای گفتن «الله اکبر» استفاده می کنیم طولانی و بعضا سنگین و ناهماهنگ است. «بگو الله اکبر» را جایگزین «الله اکبر» کنیم تا ریتم و آهنگ پیدا کند. برای گفتن «بگو الله اکبر» چهار ضرب محکم بر سازهای کوبه ای بکوبیم. «مرگ بر دیکتاتور» همین طور. اگر دقت کنیم این شعار از پنج ضرب تشکیل می شود. دو ضرب برای مرگ و سه ضرب برای دیکتاتور. به این پنج ضرب سرعت و ریتم بدهیم تا به فضای اطرافمان هیجان و قدرت بیشتری بدهیم. بطور مثال با شعار نترسیم، نترسیم ما همه با هم هستیم می توانیم ریتم بسیار زیبایی را خلق کنیم. پایکوبی، رقص و شادی معنای بهتری به جنبش ما می دهد. شور و سرعت ریتم بر انرژی ما می افزاید و کمک می کند تا روحیه ای شاد را در خود و پیرامون خود بوجود آوریم. علاوه بر آن از طریق اجرای موسیقی می توانیم از اضطراب و کجی مردم بکاهیم. فعال نگاهداشتن مردم و فعالان در جریان تظاهرات، رقص، شوخی و خنده موجب از بین رفتن ترس می شود. هنرمندان موسیقی می توانند رهبران بسیار خوب ارکستر جنبش سبز باشند. با انضباط کاری و اجرای درست وظایفمان به مردم پاداش بدهیم!

تظاهرات را به بالای پشت بام های خانه هایمان ببریم. بشکه های دوپست لیتری خالی نفت، قابلمه های بزرگ از جنس مس، را تهیه کرده و سپس دور یک چوب به طول پنجاه تا شصت سانتی متر پارچه پهن بچسبانیم و از آن برای نواختن استفاده کنیم. این ساز پر حجم را به سازهای کوبه ای دیگر اضافه کنیم. همه شب بر بام های خانه ها که جای بسیار مناسبی برای دادن شعارهای ضدحکومتی است و نیز در تجلیل و گرامیداشت شهدا یا سازهای کوبه ای شعارهای کوبنده خود را ادامه دهیم. کودکان را به جمع خود اضافه کنیم. بلندگو دستی، دایره زنگی، سوت، بوق، بطری های خالی آب ایزاری هستند که کودکان تمایل بیشتری برای استفاده از آن نشان می دهند. پوشاندن تیشرت تیم محبوب کودکان، کمک می کند تا احساس کنند به نیاز روحی آنان پاسخ مثبت داده شده است.



این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود!

کریمی: خواستند پرسپولیس بمانم



در یک مصاحبه مفصل همه چیز را افشا می کنم
پرونده تمدید قرارداد علی کریمی با پرسپولیس بسته شد تا این بازیکن در لیگ نهم قرمزپوش نباشد. علی کریمی دیروز بعد از اینکه عباس انصاری فرد اعلام کرد قرارداد او مثل ترکمن چای کریمی در جواب گفت: «من این حرف را قبول ندارم و آقایان مدیر برای منحرف کردن ذهن هواداران این حرف ها را می گویند چون خواستند من در پرسپولیس بمانم و قصد دارم در یک مصاحبه مفصل همه چیز را افشا کنم تا دیگر از این حرف ها نزنند. آن ها 4 هفته با شخصیت من بازی کرده اند. همیشه گفته ام عاشق پرسپولیس هستم و این را بدانید روزی با پیراهن این تیم از فوتبال خداحافظی می کنم.»

هفتم آسیا، سی و هفتم جهان لیگ برتر ایران هم سطح لیگ اندونزی

فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال در تازه ترین رده بندی خود، جایگاه 100 لیگ دنیا را مشخص کرده که لیگ ایران در این رده بندی در جایگاه سی و هفتم و پایین تر از لیگ های سوریه و مالزی قرار دارد. در این رده بندی، لیگ برتر فوتبال انگلستان پس از درخشش تیم های این کشور در رقابت های لیگ قهرمانان اروپا، در جایگاه نخست قرار دارد. لیگ ایران در این رده بندی در رده سی و هفتم قرار دارد و این در حالی است که لیگ های سوریه و ازبکستان در جایگاهی به مراتب بالاتر از لیگ ایران قرار دارند. در این رده بندی و در بین لیگ های آسیایی لیگ ژاپن در صدر قرار دارد و ایران بعد از شش کشور دیگر از جمله کشورهای ازبکستان، مالزی و سوریه در رده هفتم ایستاده است.

اعتراضات جنبش سبز در مسابقات فوتبال آغاز شد! پذیرایی پلیس از تماشاگران با گاز اشک آور در بازی پرسپولیس و پیکان

مسئولان باشگاه پیکان قزوین علاوه بر جلوگیری از ورود تماشاگران به خبرنگاران هم بلیت فروختند!
دو تیم پرسپولیس و پیکان که خود را برای حضور در نهمین دوره رقابتهای لیگ برتر آماده می کنند هفته ی گذشته در ورزشگاه ایران خودرو به مصاف هم رفتند.
این دیدار اما با حاشیه های زیادی همراه بود که البته فروختن بلیت به خبرنگاران و نپذیرفتن کارت خبری سازمان تربیت بدنی از نکات ویژه این بازی دوستانه و تدارکاتی بود! قیمت این بلیت ها هزار تومان بود!
در این بین مسئولان باشگاه پیکان ابتدا از ورود تماشاگران به داخل ورزشگاه ممانعت کردند و برای متفرق کردن آنها از ماموران انتظامی کمک خواستند که در این بین پرتاب گاز اشک آور باعث متفرق شدن موقت تماشاگران شد اما در نهایت آنها به داخل ورزشگاه راه پیدا کردند. perspolis89.mihanblog

برای جبران خسارت به ورزشگاه ها تمام دیدارهای لیگ برتر بیمه شد خرگزاری فارس: تمام مسابقات تیم های لیگ برتری در فصل آینده فوتبال بیمه شد.

به گزارش خبرنگار ورزشی خبرگزاری فارس، سازمان لیگ برای جبران خسارت احتمالی ورزشگاه ها تمامی دیدارهای لیگ برتر را بیمه کرد.
این بیمه شامل حال تمامی موارد خسارت در جریان مسابقه است. اگر بر فرض تماشاگران خسارتی به ورزشگاه وارد کنند خسارت ورزشگاه را دیگر تیم میزبان پرداخت نخواهد کرد بلکه شرکت بیمه این خسارت را می پردازد.
دیدارهای جام حذفی هم که تیم های لیگ برتری در آن حضور دارند نیز تحت پوشش بیمه قرار گرفته است.
با وجودی که میزان بیمه این دیدارها رقم قابل توجهی نیست اما این موضوع را می توان به فال نیک گرفت.
سازمان لیگ در فصل گذشته نیز تعدادی از مسابقات لیگ برتر را بیمه کرده بود.
پیش از این زمانی که دو تیم پطرقدار استقلال و پرسپولیس در ورزشگاه آزادی میزبان بودند و تماشاگران دو تیم به صندلی های ورزشگاه خسارت می زدند این خسارت را این دو تیم پرداخت می کردند.





کنفدراسیون آسیا



بدلیل شرایط سیاسی ایران مسابقات
فوتسال با تاخیر برگزار می شود.

رقابت های فوتسال باشگاه های آسیا 2009 در اصفهان با برنامه
جدید استفاده امسال برگزار می شود.

پایگاه خبری کنفدراسیون آسیا اعلام کرد: این بازی ها قرار بود در
بدلیل شرایط سیاسی ماه جولای - تیر ماه 1388 برگزار شود که
در ایران با تاخیر مواجه شد.

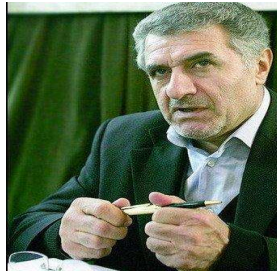
طبق برنامه قبلی همان 10 باشگاه هایی که نامشان اعلام شده بود
مجاز به حضور در این بازیها هستند که از 4 تا 12 مارچ - 13 تا
21 اسفند در اصفهان برگزار می شود.



اطاعت و فرمانبرداری یعنی حفظ «ستون فقرات حکومت کودتا».
با عدم اطاعت، کودتاچیان قادر به اجرای قوانین ظالمانه و
سرکوبگرانه خود نخواهند بود. استراتژی جنبش مسالمت آمیز ما
بر پایه همین اصل استوار است.



قدرت ما از طریق نیروهای سازمانیافته ما خود را نشان می دهد.
نیروهای سازمانیافته ما هنگامیکه سراسری می شوند قادرند با
سر باز زدن و عدم انجام کار، خدمات و عدم پشتیبانی موسسات
سازنده قدرت دولت را ساقط کنند.
این هسته ها هیچ معنایی به جز خودداری از حمایت دولت ندارند!



محسن صفایی فراهانی، رییس پیشین فدراسیون فوتبال ایران

در دوران آقای رفسنجانی هم ایشان به عنوان مدیر نمونه ای سال
انتخاب شدند. ایشان آدم صادقی بودند. آدم درستی بودند و خیلی
سعی می کردند که مخارجی که در فدراسیون می شود با حساب و
کتاب باشد. سعی می کردند تا حد امکان صرفه جویی بشود و زمانی
هم که فدراسیون را تحویل دادند، یکی از شفافترین کارهایشان هم
این بود که تمام مسایل مالی فدراسیون کاملا روشن و مشخص بود.

دوچپه وله: در پی تعلیق فوتبال ملی ایران از سوی فیفا، آقای
محسن صفایی فراهانی در سال ۲۰۰۷ به عنوان رییس کمیته ای
انتقالی فدراسیون فوتبال ایران به طور موقت تعیین شده بودند و بر
سر اجرای صحیح اصول فیفا پافشاری می کردند و مقاومت با
نمایندگان دولت در سازمان تربیت بدنی مانند آقای محمدعلی آبادی.
آیا به نظر شما بازداشت ایشان یک نوع حالت انتقام مسئولین نظام
را هم وانمود می کند؟

جلال طالبی: تصور نمی کنم مسئله ایشان... بهرحال مسئولیتی را
فیفا به ایشان واگذار کرده بود و ایشان هم در حد توانشان سعی
کردند که آن طوری که باید و شاید کارهایی که به او واگذار شده
بود را انجام بدهند. آن چیزی که من از ایشان دیدم، در این مدت که
در کنار ایشان کار می کردم، صداقت در کارشان بود و برای
حرفهای شدن فوتبال ایران بسیار زحمت کشیدند. بعد از هفتاد سال
کمپ های تیم ملی را درست کردند برای اسکان و تأمینات تیم ملی.
آن چیزی که من از ایشان دیدم خدمت بود. تمام تلاشش در این بود
که به فوتبال مملکت ما، به جوانان مملکت ما خدمت بکند.

مصاحبه گر: فرید اشرفیان
تحریریه: شهرام احدی



اینان هر اسشان زیگانگی ماست!



چرا صفایی فراهانی بازداشت شد؟
گفتگو با جلال طالبی سرمربی
سابق تیم ملی ایران

محسن صفایی فراهانی، رییس پیشین فدراسیون فوتبال ایران
همچنان در بازداشت به سر می برد. جلال طالبی که در دوران
ریاست او، سرمربیگری تیم ملی را بر عهده داشته است، در
گفتگو با دوچپه وله به موضوع دستگیری وی پرداخته
است.

دوچپه وله: آقای طالبی در دوران سرمربیگری شما در تیم
ملی ایران، آقای محسن صفایی فراهانی ریاست فدراسیون
فوتبال را عهده دار بود و شما را نیز دوبار به عنوان سرمربی
تیم ملی و یکبار نیز به عنوان مدیر فنی تیم ملی انتخاب کرد.
صفایی فراهانی در حال حاضر در بازداشت بسر می برد و در
زندان اوین است. شما در حال حاضر در تهران هستید و از
نزدیک تحولات روزانه و اخبار را دنبال می کنید. دلیل بازداشت
محسن صفایی فراهانی از دیدگاه شما چه هست؟

جلال طالبی: تعداد زیادی را دارند می گیرند و
سوال های جستجویی و پرسشی می کنند. من اطلاع
دقیقی از این مسایل ندارم، ولی احتمالاً ایشان خب
عضو حزب مشارکت بودند و برای انتخاب آقای
موسوی هم به چند شهرستان رفتند و سخنرانی کردند
که مردم را برای آمدن پای صندوق رأی تشویق کنند.

دوچپه وله: پس جرم دستگیری شان تنها این بوده؟

جلال طالبی: من اصلاً از این مسئله اطلاعی ندارم، اصلاً
خانوادگی شان هم هیچ اطلاعی ندارند. ولی بهرحال این موضوع
مشخص خواهد شد و به خانواده شان خواهند گفت که جرم چه
هست؟ در هر حال مدتی زمان می برد تا نوبت آنها برسد و
جرمی که برایشان در نظر گرفته اند، به آنها گفته شود تا بتوانند
صحبت کنند. من در روزنامه خواندم که خانم شان صحبت کرده
بود که هنوز به ما نگفتند که به خاطر چه ایشان بازداشت شده.

دوچپه وله: آقای طالبی شما میان سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ با
آقای صفایی فراهانی در فدراسیون فوتبال ایران همکاری
نزدیک داشتید. چه شناختی خودتان کلاً از شخص و شخصیت
ایشان دارید؟

جلال طالبی: من در حدود دوسال و نیم سه سال در خدمت
ایشان بود و در فدراسیون فوتبال کار می کردم. آن چیزی که من
دیدم و در مصاحبه ای هم که چند روز پیش با من شد، گفتم که
ایشان بهرحال علاقمندی اش به پیشرفت فوتبال کشورمان بود و
آدمی بود که تمام تلاشش در این بود که بتواند فدراسیون را به
سروسامانی برساند و تشکیلات کمیته ها را درست کند. توجه به
جوانان و نوجوانان داشتند، توجه به آموزش داشتند و بسیار
تلاش کردند که باعث افتخار (جامعه) فوتبال ایران باشند.